



# توران ایران

اسفندیار معتمدی  
دبير بازنثسته تهران

نهاد تربیت معلم در ایران، با تأمین دارالمعلمین در ۱۳۹۷ شمسی، پایه‌گذاری شد. اکنون در حدود یک‌صد سال است که ما در این راه می‌کوشیم و مؤسساتی با نام‌های گوآگون را به همین منظور دایر کرده‌ایم که در آن‌ها مریبان بزرگ چون دکتر محمد باقر هوشیار، دکتر علی‌محمد کاردان و دکتر غلامحسین شکوهی و دیگران نظریه‌های خود را درباره راه و روش تربیت معلم بیان کرده‌اند. در این میان خانم توران میرهادی بر پایه آگاهی از نظرات استادانی چون پیازه، ماکارتکو، فرنه، دکرولی و اندیشمندان صاحب‌نظر گذشته و حال ایرانی و از راه تجربه عملی به این نتیجه رسید که: «تربیت معلم باید در محیط مدرسه انجام گیرد». او از سال ۱۳۴۷ در مدرسه خود به جست و جوی روش‌هایی برای تربیت معلم‌انی پرداخت که بتوانند پاسخگوی نیازها و پرسش‌های دانش‌آموzan ایرانی باشند. معلم‌انی که در کلاس ایجاد انگیزه کنند، روز آمد باشند، در پی یافتن راه‌های تازه برای اثربخشی بیشتر و تکامل روش تدریس خود باشند.

وی می‌نویسد: «در این سال‌ها به چهار شیوه کار دست یافتیم که ما را کم و بیش به یک روش منظم رساند: این‌ها عبارت بودند از مصاحبه‌پایان سال تحصیلی، سمینار شهریور، جدول بزرگ برنامه و گروه‌های کار معلمان».

- داده می‌شد؛
- گردش‌هایی که در زمینه درس‌ها تعیین می‌شد؛
- تصاویر و فیلم‌ها و اسلامیدهایی که نمایش آن‌ها برای تفهیم هر درس ضرورت داشت؛
- کتاب‌های غیردرسی که برای مطالعه مناسب بودند؛
- کارهای دستی و هنری و همچنین فعالیت‌های علمی که برای هر ماه پیش‌بینی می‌شد؛
- ستون‌های خالی برای کارهای ابتکاری و خلاقیت‌ها؛ این جدول وسیله‌ای مناسب برای نظرات بود و هر سال تغییر و تکامل می‌یافت و شکلی تازه به خود می‌گرفت.

## ۴. گروه‌های کار معلمان

در مؤسسه آموزشی فرهاد، مریبان

تشکیل کلاس‌ها، برگزار می‌شد. در این سمینار همه‌رسانی، معلمان و کادر اداری شرکت، می‌کردند و برنامه تنظیم می‌شد. برنامه‌های سمینار از طرفی براساس پیشنهادهای معلمان تنظیم می‌شد و از طرف دیگر ما را از نظر فکری و عملی و از لحاظ تغییر روش‌های تدریس برای سال آینده آماده می‌کرد.

**۳. تنظیم جدول‌های بزرگ**  
در این قسمت جدول برنامه هریک از کلاس‌ها برای ایجاد تغییر و تحول مداوم تنظیم و نوشته می‌شود. این جدول‌ها را معلمان هر کلاس تهیه می‌کردند. از مجموع این برنامه‌ها جدول برنامه کار سال تحصیلی شکل می‌گرفت.

جدول بزرگ برنامه شامل ستون‌های زیر بود:

- مواردی که باید در هر ماه درس

اما شرح این چهار شیوه.

### ۱. مصاحبه

نخستین شیوه براساس این فکر به وجود آمد که نباید معلمان مدرسه را در پایان سال تحصیلی رها کرد تا به مرخصی سالانه روند و برای امتحانات تجدیدی به مدرسه بگردند. برای کلیه معلمان [چه آموزش دیده و چه ندیده] در پایان خردمندانه مصاحبه‌ای اضطراری ترتیب دادیم. در این مصاحبه‌ها معلمان توائستند هم اظهارنظر کلی کنند، هم پیشنهاد دهند و زمینه نیازهایشان را مشخص کنند و هم انتقاد کنند و آنچه در دل دارند بگویند. این مصاحبه‌ها اساس کار سمینار شد.

### ۲. سمینار شهریور

این سمینار در شهریورماه، پیش از

### برنامه‌ریزی براساس نظریه کلی

فرنه نظریه پرداز فرانسوی می‌گفت: کودکان را آزاد بگذارید تا آنچه ضروری است، خود به دست آورند. نه اینکه مهارت‌ها را طبق برنامه تنظیم و به آن‌ها تحمیل کنیم، فرنه مدرسه مردم را در فرانسوی مطرح کرد تا دانش‌آموزان درباره آنچه می‌خواهند مطالعه و پرسش کنند و معلمان برنامه مطالعاتی را به کمک خود آن‌ها تنظیم نمایند و شاگردان به آن‌ها عمل کنند. برنامه مدارس براساس ضرورت و مهارت‌های خاصی چون خواندن، نوشتن، محاسبه کردن و علوم اجتماعی تنظیم نشده بود، اما کارهایی صورت می‌گرفت که ضمن عمل این مهارت‌هارا دانش‌آموزان فرا می‌گرفتند.

پائولوفرژ استاد تاریخ و فلسفه و مبتکر روش سواد آموزشی، از طریق آگاهی بخشیدن و بیداری و جدان کار سواد آموزشی را در بزرگ‌آغاز کردا و معتقد بود که تعلیم و تربیت وسیله آگاهی و تغییرات بدين معنی که انسان وقتی عوامل اجتماعی و علل عقیماندگی‌هایش را شناخت و درباره آن‌ها آگاهی یافته، این آگاهی سبب حرکت و پیدا کردن راه حل و تغییر می‌شود.»

### برنامه متعادل

توران میرهادی در پی تهیه و تنظیم برنامه‌ای بود که هم آموزش‌های ضروری را شامل باشد و هم آزادی را. زیرا: «اگر آزادی نباشد حرکت نیست، اگر ضرورت‌ها در نظر گرفته نشود پایه‌های اجتماعی آموزش و پرورش ممکن است به اندازه کافی قوی نشود. یعنی کودکان همه آنچه را خواهند ناخواه برای زندگی لازم است، نیاموزند.» در مدرسه‌ۀ فرهاد برای ساختن برنامه متعادلی که هم آزادی دانش‌آموزان رعایت شود و هم آموزش‌های ضروری داده شود. از تجربه‌های فرنه استفاده شده بود، یعنی دانش‌آموز برنامه‌ریز و برنامه‌ساز تربیت کردن تا آزادانه بتواند آنچه را مایل است بیان کند و در برنامه قرار دهد و دیگر آنکه معلمان یافته‌های عملی را به صورت تلفیقی (درهم‌تینیده) در ارتباط با زندگی و براساس نیازهای اساسی انسان، با دانش‌آموزان مطற کنند.

کودکستان یک گروه کار و آموزگاران هر پایه دبستان جدایگانه گروه کار تشکیل می‌دادند. دبیران علوم تجربی، دبیران علوم اجتماعی و دبیران زبان هم گروه کار مستقل داشتند. هر گروه کار با مشورت یکدیگر فعالیت‌های آموزشی خود را کامل می‌کردند. حتی این کار در زنگ تقویح و در راهروهای مدرسه هم صورت می‌گرفت.

«این شیوه مشاوره مدام میان معلمان تبدیل به روشنی عملی شد و به کمک آن توانستیم معلم تربیت کنیم. اگر معلمی تازه کار به ما می‌پیوست، جمع معلم‌ها او را در میان می‌گرفتند و او با کمک آن‌ها روش تدریس و نحوه کار کلاس‌ها را یاد می‌گرفت و اطمینان لازم را در کارش به دست می‌آورد. البته به عنوان مدیر همیشه مراقب بودم که منابع مطالعاتی لازم به گروه‌های معلمان برسد. مرتباً برایشان پیشنهادهای تازه داشتم. با این پیشنهادها، عموماً کلاس را از سؤال عادی خارج می‌کردم و از این کار لذت می‌بردم؛ معلمان هم استقبال می‌کردند، زیرا تشخیص داده بودند که این تغییر مسیر هم به سود خودشان و هم به سود دانش‌آموزان هست. پیشنهادهای تازه آن‌ها را از مسیر کار یکنواخت روزمره خارج می‌کرد.»

توران میرهادی در هیچ برنامه‌ای توقف نداشت. هیچ برنامه‌ای را کامل نمی‌داند. همیشه در پی یافتن راههای کوتاه‌تر، دقیق‌تر و مؤثر‌تر بود و این سخن حکیمانه را به خاطر می‌آورد که:

«همیشه برای انجام دادن هر کاری راهی بهتر می‌توان یافت!» یا شعر معروف اقبال لاهوری از ذهنش می‌گذشت:

ساحل افتده گفت گرچه بسی زیستم  
آه نه معلوم شد، وای که من کیستم  
موج ز خود رفته‌ای تیز خرامید و گفت  
هستم اگر می‌روم، گر نروم نیستم.  
همچنین درباره این چهار شیوه می‌نویسد:

این چهار شیوه همواره با نقد و بررسی توأم بود. ولی باز هم ما را راضی نمی‌کرد. زیرا همین شیوه‌ها هم می‌توانست پس از مدتی به صورت کار عادی درآید و یکنواخت شود.